

گلستان

دوماهنامه علمی - فرهنگی ره‌نا
شماره، هفتم، سال دوم، خرداد ۱۴۰۱



۹

درس هایی از
حدیث سلسله الذهب

۶

سیمای امام حسن (ع)

۴

سبک زندگی رضوی

کلامنا

نشریه ره نما



دوماهنامه علمی - فرهنگی ره نما
شماره، هفتم، سال دوم، خرداد ۱۴۰۱



۹

درس هایی از
حدیث سلسله الذهب

۶

سیمای امام حسن (ع)

۴

سبک زندگی رضوی

« کاری از انجمن علمی دانشجویی دانشکده علوم قرآنی مشهد »

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد

مدیر مسئول: محمد علی کیهانی

سر دبیر: سیده فرناز اتحاد

* با تشکر ویژه از: دکتر محسن رجبی قدسی

طراح گرافیک و صفحه آرا: محمد علی کیهانی

راه های ارتباطی انجمن علمی دانشجویی دانشکده علوم قرآنی مشهد مقدس:

* آدرس کانال ایتا: @anjomanelmiquran110

* آدرس اینستاگرام: <https://www.instagram.com/anjoman.uniquran.mashhad>

* آدرس رایانامه: mashhadanjomanelmi@gmail.com

* آیدی مستقیم انجمن و نشریه ره نما: @quranm15

* آیدی دپارتمان فناوری: @IT.quran

* آیدی دپارتمان زبان انگلیسی و ترجمه: @translation_education

به نام خداوند کریم

سیده فرناز اتحاد

کارشناس ارشد رشته علوم قرآنی
سردبیر نشریه ره نما

ميلاد كريمه اهل بيت روز دختران باوقار سرزمينم نام بگيرد.

هم چنين مفتخریم در روزهای معطر و پر عظمت نزدیک شدن به سالروز ولادت ولی نعمت‌مان امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در این کار فرهنگی مطالبی جهت ابراز ارادت به پیشگاه امام رئوف از دریچه علمی، فرهنگی و دانشجویی دانشکده علوم قرآنی مشهد تقدیم نمایم. دهه پربرکت کرامت را خدمت شما مخاطبان محترم تبریک عرض می‌کنیم و در جوار بارگاه سراسر نور امام رضا (علیه السلام) دعاگوی تمام مخاطبان و سروران ارجمندی هستیم که با مطالب ارزشمندشان ما را در تهیه این پیشکش کوچک در این ایام بزرگ یار ز کلام حضرت رضا (علیه السلام) چنین برداشت می‌شود که حضرت معصومه (سلام الل علیها) شأن والایی نزد ائمه طاهرين (ع) داشته‌اند که این همه به سبب معرفت ایشان به مقام امامت و ولایت ائمه (ع) است؛ امام رضا (علیه السلام) با این زیارت نامه، مقام حضرت معصومه (علیها) را به ما نشان دادند که حضرت معصومه (سلام الل) تابع قرآن و سیره و سنت نبوی و ائمه طاهرين بوده‌اند که سلام خدا و اولیای الهی را دریافت کرده‌اند. ی رسانند. تکمله این چند سطر مقدماتی خدمت آقای رئوف به تأسی از آنچه از اساتیدمان فراگرفتیم؛ عرض می‌کنیم آقای مهربان نمی‌گوئیم دست ما بگیر که عمریست گرفته‌اید؛ رهایمان نکنید...

مفتخریم در آغاز دهه ای مبارک مزین به نام فرزندان امام موسی کاظم (علیه السلام) همراه شما مخاطبان فهیم نشریه ره نما باشیم.

مفتخریم عرض ارادت داشته باشیم خدمت عمه سادات؛ خانم حضرت معصومه (سلام الل علیها) که به یمن الطاف مقدم ایشان هربار قلب های مژده ما شفا گرفت. در عظمت این بانوی با کرامت همین بس که برادر بزرگوارشان حضرت رضا (علیه السلام) فرموده‌اند در زیارت فاطمه معصومه (سلام الل علیها) ایشان را این-گونه خطاب کنید: «السَّلَامُ عَلَیْکِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِیجَةَ السَّلَامِ عَلَیْکِ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَیْکِ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَیْکِ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ يَا أُخْتِ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکِ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَکَاتِهِ»، از کلام حضرت رضا (علیه السلام) چنین برداشت می‌شود که حضرت معصومه (سلام الل علیها) شأن والایی نزد ائمه طاهرين (ع) داشته‌اند که این همه به سبب معرفت ایشان به مقام امامت و ولایت ائمه (ع) است؛ امام رضا (علیه السلام) با این زیارت نامه، مقام حضرت معصومه (سلام الل علیها) را به ما نشان دادند که حضرت معصومه (سلام الل علیها) تابع قرآن و سیره و سنت نبوی و ائمه طاهرين بوده‌اند که سلام خدا و اولیای الهی را دریافت کرده‌اند. به ایشان عرض می‌کنیم «عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ» خدای متعال در بهشت من را به شما معرفی کند «و حشرنا فی زمرتکم» و من را در زمره شما محشور کند. مفتخریم که روز

سبک زندگی رضوی

فهیمة ضیاء قریشی

کارشناس ارشد علوم قرآنی (دانش آموخته دانشکده علوم قرآنی مشهد)



علی نفسه و ذلل
قلبی بتصدیقه
اسالک الامن و
الایمان فی الدنیا
والاخره؛ ای کسی
که مرا به سوی
خودت رهنمون
گشتی و دلم را به

واسطه تصدیق خود آرام گردانی، از تو ایمان و امنیت
را در دنیا و آخرت خواستارم.» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲،
ص ۵۷۹).

۲- تفکر در آیات خداوند

امام رضا(ع) در عظمت خداوند و آیات آن بسیار
می‌اندیشیدند و برای این امر ارزشمند که باعث
افزایش معرفت می‌شود، می‌فرمودند: «لیست العباده
کثره الصیام و الصلاه و انما العباده کثره التفکر
فی الله؛ عبادت، به بسیاری روزه و نماز نیست
بلکه بسیار اندیشیدن در امر خداست.» (حرانی،
۱۴۰۱ق، ص ۸۰۶).

۳- ساده زیستی و نهی ثروت اندوزی

ساده زیستی، عدم توجه و دل بستگی به زخارف
دنیا، ترجیح معنویت بر مادیات دنیا در سبک
زندگی امام رضا (ع) موج می‌زند. از زبان یکی از

سبک زندگی (Life Style)، می‌تواند به علایق،
نظرات، رفتارها و جهت‌گیری رفتاری یک فرد،
گروه یا فرهنگ اشاره کند. در جهان معاصر به دلیل
گسترده‌گی جوامع انسانی سبکهای زیادی از زندگی
وجود دارد که هریک ریشه در نوع تفکرات و جهان
بینی طرفداران آن دارد. امروزه سبک زندگی غربی
که مبتنی بر جهان بینی مادی و لذت‌گرایی است در
جوامع اسلامی و به خصوص در بین جوانان مورد
توجه و پیگیری قرار گرفته غافل از این که انتخاب
این نوع سبک زندگی ما را از ارزشها و اهداف
اسلامی دور می‌کند. در این میان شناخت سبک
زندگی امامان معصوم(ع) و پیروی از آن راهنمای ما
خواهد بود. امام رضا(ع) نه تنها خورشید درخشان
اهل بیت(ع) در سرزمین ایران است، بلکه ایمان
و پیروی از سبک زندگی ایشان بزرگترین سرمایه
شیعیان به‌شمار می‌آید. در این مقاله نمونه‌هایی از
سبک زندگی امام رضا(ع) مورد توجه قرار می‌گیرد

۱- توکل به خدا

توکل یعنی واگذار کردن و سپردن امور خویش
به خداوند و اعتماد کردن به حسن تدبیر اوست
(طبرسی، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۵۶۲). از امام رضا(ع)
دعاهایی به یادگار مانده که همگی سرشار از روح
بندگی و انس آن حضرت با خداوند و توکل بر ذات
احدی اوست. از جمله آنکه فرمودند: «یا من دلنی

کنیزان امام رضا(ع) نقل شده است که خانه امام بسیار ساده بود. در آن خانه خبری از نعمت‌های رنگارنگ کاخ نبود. تحمل ساده زیستی امام برایم دشوار آمد؛ اما معنویت بسیاری در این خانه نصیب شد. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴). در روایتی از محمد بن عباد وارد شده است که امام رضا(ع) در تابستان بر روی حصیر و در زمستان بر روی پوستینی می‌نشستند و لباس خشن می‌پوشیدند. (همان، ج ۲، ص ۱۹۲). همچنین امام رضا(ع) در نهی

ثروت‌اندوزی چنین فرمودند: «ثروت انباشته نمی‌شود، مگر به سبب پنج چیز: بخل شدید، آرزوی طولانی، حرص زیاد، قطع رحم، ترجیح دادن دنیا بر آخرت.» (همان، ج ۱، ص ۲۵)

۴- بخشش اموال

امام رضا(ع) در زمانی که در خراسان به سر می‌بردند در روز عرفه به برکت این روز تمام اموال خود را بین فقرا تقسیم کردند. فضل بن سهل، وزیر مامون از این کار امام شگفت زده شد، به امام گفت: «این کار موجب ضرر و زیان است!» امام فرمود: «نه، موجب سود است. هرگز کاری را که اجر و پاداش دارد، نباید زیان به حساب آوری.» (مجلسی، ج ۴۹، ص ۱۰۰).

۵- عبادت

امام رضا(ع) نمازهای خود را اول وقت می‌خواندند و فرمودند: «هرگز نماز اول وقت را بی‌دلیل به تاخیر نیندازید.» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۳۷) ایشان در انجام نوافل نمازها و به جا آوردن نماز شب بسیار

مقید بودند و روزه نمازهای مستحبی بسیاری به جا می‌آوردند. نقل است که مامون مدتی امام را به زندان انداخت، اباصلت با اصرار به زندانبان اجازه می‌خواهد که به دیدار امام برود. زندانبان به او گفت: «نمی‌توانی او را ببینی، زیرا او پیوسته در عبادت است. گاه در شبانه‌روز، هزار رکعت نماز می‌خواند. فقط در اول روز و قبل از ظهر و هنگام زردی آفتاب، ساعتی از نماز دست می‌کشد، در این هنگام نیز بر سجاده خود نشسته و با خدایش مناجات

می‌کند.» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۷). علاوه به اینها حضرت برنامه خواندن قرآن صبحگاهی دست کم پنجاه آیه (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۴) و برنامه خواندن قرآن شبانه‌گاهی قبل از خواب و هر سه شبانه روز یک ختم قرآن داشتند. (صدوق، عیون اخبار الرضا، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۶).

این موارد نمونه‌هایی کوچک از دریای عظمت وجودی امام رضا (ع) و سبک زندگی اسلامی ایشان است. با آشنایی هر چند مختصر از سبک زندگی

حضرت، نمای کلی سبک زندگی رضوی به دست می‌آید. امید است با پیروی از سبک زندگی ایشان و شناخت و پژوهش بیشتر برای نهادینه کردن این سبک در بین جوانان ایران اسلامی به برکت این نوع از زندگی برسیم.

سبک زندگی

(Life Style)

می‌تواند به علایق، رفتارها و جهت‌گیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره کند. در جهان معاصر به دلیل گستردگی جوامع انسانی سبک‌های زیادی از زندگی وجود دارد که هر یک ریشه در نوع تفکرات و جهان بینی طرفداران آن دارد. امروزه سبک زندگی غربی که مبتنی بر جهان بینی مادی و لذت‌گرایی است در جوامع اسلامی و به خصوص در بین جوانان مورد توجه و پیگیری قرار گرفته غافل از این که انتخاب این نوع سبک زندگی ما را از ارزشها و اهداف اسلامی دور می‌کند.

سیمای امام حسن مجتبی (ع) در قرآن کریم

دکتر محسن رجبی قدسی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

آنها روز دوم را نیز روزه گرفتند. حضرت فاطمه (س) صاع دیگری از آن آرد را نان پخت. هنگامی که نان را آوردند تا با آن افطار کنند، یتیمی نزد آنها آمد و غذا خواست، آنها هم مانند شب گذشته همه غذای خود را به او دادند.

سومین روز هم به روزه گرفتن گذشت و هنگام افطار فرا رسید. این بار اسیری آمد و از آنها غذا خواست. آنها هم مطابق روزهای گذشته همه غذای خود را به او دادند.

آنها در این سه روز چیزی جز آب نخوردند. در روز چهارم حضرت علی (ع)، حسنین (ع) را که از شدت گرسنگی مانند دو جوجه بی بال و پر بر خود می لرزیدند را نزد پیامبر اکرم بردند: «و إن علیاً [ع] أخذ بید الغلامین و هما کالفرخین لا ریش لهما یترججان من الجوع». رسول خدا با دیدن این صحنه گریان شدند و به منزل فاطمه (س) رفتند و با دیدن ضعف و گریه فاطمه (س) با صدایی گریان این گونه دعا کردند: «اللهم أشبع آل محمد».

حسنین (ع) وقت ادای نذر رسید، ولی در منزل علی (ع) چیزی برای خوردن وجود نداشت. امیر مؤمنان علی (ع) سه صاع (حدود سه من) جو از شمعون یهودی در عوض

سه روز روزه نذری یا اطعام خالصانه برای رضای خدا در یک روز

از آیاتی که به طور معمول در موضوع سیمای امام حسن (ع) در قرآن به آن استشهد می شود آیات ۵ تا ۹ سوره انسان است: «ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا. عینا یشرب بها عباد الله یفجرونها تفجیرا. یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره مستطیرا. و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیم و اسیرا. انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لا شکورا».

رسیدن پشم، قرض گرفت. حضرت فاطمه (س) یک صاع از آن را آسیاب کرد و از آن به تعداد افراد خانواده، پنج قرص نان فراهم نمود. علی (ع) نماز مغرب را خواند و به منزل آمد، هنگامی که غذا را در برابر خود گذاشتند تا با آن افطار کنند، مسکینی آمد و از آنها کمک خواست.

آنها همگی غذای خود را به او دادند و آن روز و آن شب چیزی نخوردند.

روایات سبب نزول ذیل آیات فوق، همگون و همداستان نیستند. مشهور آن است که پس از بیماری حسنین (ع)، امام علی (ع) به پیشنهاد عمر بن خطاب که به عیادت آن دو آمده بود، همراه حضرت زهرا (س) و فضّه برای شفای حسنین (ع)، سه روز روزه نذر کردند. با شفا یافتن



جبرئیل هبوط کرد و اذن ابلاغ و قرائت آیات «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادَ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا . يُوفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَ يُخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا . وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا . إِنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا» (انسان، ۵-۹) را به پیامبر اکرم اعلام کرد. (۱)

آیت الله معرفت (د ۱۳۸۵ ش) - مفسر و قرآن پژوه معاصر - با بررسی سند و محتوای روایات سبب نزول، فقط روایت علی بن ابراهیم قمی به نقل از امام صادق (ع) در تفسیر قمی را صحیح می داند (۲) که بر پایه آن، حضرت زهرا (س) با آرد کردن جو، حلوایی خوشبو و لذیذ به نام «عصیده» درست کردند و هنگامی که بر سر سفره نهادند، بینوایی آمد و درخواست طعام کرد، مولا امیر مؤمنان (ع) یک سوم آن را به وی داد؛ سپس بلافاصله یتیمی آمد و یک سوم دیگر را به او عطا کرد؛ و یک سوم پایانی را همان روز به اسیر بخشید. (۳)

در ادامه روایت، علی بن ابراهیم قمی، ۱۸ آیه ای که در سوره انسان در وصف ابرار آمده است را برای هر مؤمنی که مانند مولا علی (ع) برای خدا عمل کند، صادق و جاری می داند: «وَ هِيَ جَارِيَةٌ فِي كُلِّ مُؤْمِنٍ فَعَلٌ مِثْلُ

ذَلِكَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ».

دقت کنیم که در حدیث امام صادق (ع)، سخنی از بیماری حسنین (ع)، نذر سه روز روزه حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) و سه شب غذا را بخشیدن و فقط با آب افطار کردن، قرض گرفتن جو از شمعون یهودی و پختن نان با آن در مقابل رسیدن پشم نیست. بنابراین، «یوفون بالانذر» یعنی ابرار نسبت به مشکلات و مسائل اطراف خود بی تفاوت نیستند و برای رفع و حل آنها بدون هیچ گونه چشمداشتی و فقط برای رضای خدا داوطلبانه اقدام می کنند که در آیه ۸ سوره انسان به عنوان مثال از اطعام مسکین و یتیم و اسیر یاد شده است.

انفاق همه اموال در سه نوبت!

در روایات و گزارش های تاریخی آمده است که امام حسن (علیه السلام) در دو یا سه نوبت، کل اموالش را در راه خدا انفاق کردند. (۴)

ائمة (علیهم السلام) به ما تعلیم داده اند که هر گزارش و روایت و سخن و مطلبی که از ما به شما می رسد، قبل از اینکه بخواهید آن را بپذیرید، حتماً آن را به قرآن عرضه کنید. یعنی صحت و سقم آن گزارش را از قرآن بخواهید. امام حسن ع مانند همه ائمه بسیار سخاوتمند

و اهل رسیدگی به امور نیازمندان بوده اند، ولی بخشش کل اموال آنها در دو یا سه نوبت، اول اینکه با آموزه های قرآن ناسازگار است و قابلیت اسوه شدن را برای مسلمانان ندارد؛ آیتی که می تواند این گزارش را نقد کند، آیه ۶۷ سوره فرقان: «و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما» و آیه ۲۹ سوره اسراء: «و لا تجعل یدک مغلولة الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا» است.

دو دیگر آنکه کسانی که این مطالب را جعل کرده اند، قصدشان خدمت به امام حسن مجتبی (علیه السلام) نبوده است، بلکه ترفند دیگری را دنبال می کرده اند. به احتمال بسیار معاویه و همدستانش این گونه اخبار را جعل کرده اند تا بگویند آقازاده ای مانند امام حسن ع آنقدر از بیت المال مسلمین برخوردار بوده یا ارث پدری به او رسیده که اگر همه اموالش را دوبار ببخشد هیچ گزندی به زندگی او وارد نمی شود. یا برای اینکه مفاد دروغین صلح نامه امام حسن ع را درست جلوه بدهند این گونه خبرهای دروغ و به قول قرآن، «إفک» ها را برساختند (نور، ۱۱). زیرا طبق مفاد صلح نامه ادعایی برخی منابع، قرار بوده است معاویه هر ساله مبالغ هنگفتی از جمله مالیات

منطقه دارابجرد (دارابگرد) در فارس ایران را به امام حسن ع پیردازد.

صلح با معاویه یا متارکهٔ جهاد به دلیل نبود مجاهد فی سبیل الله

اینکه یعقوبی و مسعودی از مورخان متقدم شیعی، متعرض مواد صلح‌نامه امام حسن مجتبی (علیه السلام) نشده‌اند و اینکه گزارش‌های منابع بعدی دربارهٔ مواد صلح‌نامه بسیار مضطرب و پریشان و ناهمگون است این فرضیه را در ذهن تداعی می‌کند که آیا واقعاً امام حسن ع با معاویه صلح کرد؟ یا چون مجاهدی در کنار امام حسن ع نبود تا با معاویه مبارزه کند حجت بر امام حسن ع تمام شد و به قول امام علی ع به دلیل نبود «حضور حاضر» افسار شتر حکومت را بر کوهانش انداختند: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بَوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَغَبٍ مَظْلُومٍ لِأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا» (نهج البلاغه، خطبهٔ ۳)؛ اگر حضور حاضر، و تمام بودن حجت بر من، به خاطر وجود یاور نبود، و اگر نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت نمایند، دهنهٔ شتر حکومت را بر کوهانش می‌انداختم.

امام حسن ع فرمودند: «وَإِنَّ مُعَاوِيَةَ قَدْ دَعَا إِلَى أَمْرٍ لَيْسَ فِيهِ عِزٌّ وَلَا نَصْفَةٌ». (۵) بنابراین «اگر یارانی داشتیم که در جنگ با دشمنان خدا با من همکاری می‌کردند، هرگز خلافت را به معاویه واگذار نمی‌کردم، زیرا خلافت بر بنی امیه حرام است» و خلافت حق من است: «وَإِنَّ هَذَا الْأَمْرَ الَّذِي اخْتَلَفْتُ فِيهِ أَنَا وَ مُعَاوِيَةَ حَقٌّ كَانَ لِي». (۶)

حج پیاده

امام حسن (علیه السلام)، حج‌های فراوانی را پیاده به جا آوردند با اینکه امکان استفاده از اسب و شتر را داشتند: «... عن علي بن زيد بن جدعان قال: حجَّ الحسن بن علي خمس عشرة حجةً ماشياً وإن النجائب لتقاد معه». (۷) در واقع امام به فراز نخست آیهٔ ۲۷ سورهٔ حج عمل کردند: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ» تا زمينهٔ دریافت آثار و برکات حج فراهم گردد: «لَيْسَ هَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ...».

امام صادق (ع) در پاسخ به پرسش حلبی از فضیلت حج پیاده فرمودند: «إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع ... حَجَّ عَشْرِينَ حَجَّةً مَاشِياً عَلَى قَدَمَيْهِ». (۸)

* پانویست ها:

۱. تفسیر فرات کوفی، ص ۵۱۹-۵۲۵، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۰ ق

۲. «حدیث ایثار»، ص ۵۷۳-۵۸۰. (معرفت، محمد هادی، «حدیث ایثار»، درج شده در کتاب شاخه‌های شوق، ج ۱، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۶).

۳. تفسیر قمی، ۳۹۸/۲-۳۹۹. همانند آن به نقل از ابن عباس (أسباب نزول واحدی، ص ۴۷۰).

۴. مجلسی، بحار الانوار، ۳۳۹/۴۳

۵. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ص ۷۷-۷۸، قم: مدرسة الإمام المهدي، ۱۴۰۸ ق.

۶. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۰۵/۳؛ تحقیق: محمد حسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق. نیز نک: لسانی فشارکی، «امام حسن (ع): مظلوم دیروز و امروز»، کانون زبان قرآن، فروردین ۱۴۰۱ ش.

۷. ابن سعد، الجزء المتمم لطبقات الكبرى [الطبقة الخامسة في من قبض رسول الله وهم أحداث الأسنان]، ۲۹۹/۱، تحقیق: محمد بن صامل السلمي، طائف: مكتبة الصديق، ۱۴۱۴ ق/۱۹۹۳ م.

۸. شیخ طوسی، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ۱۴۱/۱-۱۴۲، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ ق

درس‌هایی از حدیث سلسله الذهب

مرضیه علیزاده ایوری

طلبه سطح دو حوزه علمیه خواهران قم، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزش عالی سید الشهداء قم

مقدمه

حیات علمی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی امام رضا(ع) بنا بر مقتضیات زمانه، از جایگاه ویژه‌ای در تطور تاریخی اسلام برخوردار است، ایشان یک تنه به جنگ و رویارویی با عقائد و فرقه‌هایی قیام کرد که هر یک برای خود پایگاه اجتماعی مستحکمی داشتند و بعضاً هم از سوی حکومت سیاسی پشتیبانی می‌شدند.

مخالفان و غیر هم فکران آن حضرت نیز هرگز نتوانستند نسبت به عظمت و بزرگواری علمی و اخلاقی ایشان قیافه بی تفاوتی و بی‌خبری به خود بگیرند و گروهی هم که جزو عالمان مذاهب محسوب می‌شوند، صادقانه امام را می‌ستایند. سلسله الذهب، واژه‌ای است که یادآور ورود امام رضا به نیشابور، و استقبال بی‌ظنیر دانشمندان و محدثین بنام شیعه و اهل سنت و حدیث «کلمة لا اله الا الله حصنی» و ثبت آن توسط بیست هزار کاتب و محدث می‌باشد. این رخداد و گزارش آن توسط محدثان نشانگر اهمیت و جایگاه ویژه این رخداد و مرجعیت علمی و معنوی امام علی بن موسی الرضا می‌باشد.

علت نامگذاری به سلسله الذهب

این حدیث معروف به حدیث سلسله الذهب (یعنی زنجیره زرین است). این نامگذاری به این دلیل است که افراد حاضر در سند حدیث، همگی از

معصومین هستند؛ یعنی امام رضا(ع) از امام هفتم و او از امام ششم تا اینکه به امام اول می‌رسد و او از پیامبر (ص) و پیامبر از خدای تعالی نقل می‌کند. علاوه بر این نقل شده که امیری از امیران سامانی، این حدیث را با طلا نوشت و دستور داد آن را با وی در قبر بگذارند.

اساس امام رضا(ع) در میان آنها با اشاره به اینکه توحید حصن و اصل دین است در این حدیث عنوان کردند که مسیر رسیدن به توحید حقیقی و یافتن توحید ناب و پرستش اثر گذار، گرفتن حقائق از امام و پیروی از آن است. ۳

بررسی حدیث «سلسله الذهب»

این حدیث شریف، در کتابهای حدیثی شیعه یا سندها و مضمونهای گوناگونی نقل شده و از میان عالمان حدیث، شیخ صدوق، در کتابهای «توحید» ۴ و «معانی الأخبار» ۵ و «عیون اخبار الرضا(ع)» ۶

با ده سند مختلف و مضامین گوناگون، آن را آورده است. پس از او نیز شیخ طوسی در «امالی» ۷ با سند و مضمون دیگری آن را نقل کرده است و پس از آنها، دیگران نیز این حدیث را به گونه‌های مختلف، نقل نموده‌اند.

امام رضا(ع) با بیان حدیث سلسله الذهب؛ فلسفه سیاسی تشیع و عرفان رضوی را تبیین کردند، به این معنا که ولایت سیاسی، علمی و معنوی متعلق به امامان معصوم (ع) است.

یکی از مهمترین اتفاقاتی که در طی هجرت امام رضا به ایران رخ داد، سخنرانی آن حضرت در نیشابور و ایراد حدی بود که به حدیث سلسله الذهب معروف شد. این حدیث که به نوعی فلسفه سیاسی تشیع را تبیین می‌کند از جایگاه والایی از حیث اهمیت در میان احادیث ما برخوردار است. حدیث سلسله الذهب حدیثی است که امام رضا(ع) هنگام ورود به نیشابور در



از این رو، برخی همین قضیه را وجه نام گذاری حدیث به سلسله الذهب دانسته‌اند. ۱

شیخ صدوق پس از نقل کلام امام (ع) در کتاب توحید خود می‌گوید: معنی کلام حضرت این است که از شروط «لا اله الا الله» اقرار به امامت من است و اینکه من از جانب خداوند متعال امامی هستم که فرمانبری ام واجب است. ۲ با توجه به اینکه این حدیث به مساله توحید و ولایت اشاره کرده است برخی معتقدند که هدف اصلی این روایت بیان همین پیوند است؛ چرا که عموم مردم منطقه نیشابور که مستمع امام بودند اهل سنت بوده و نگاه آنان به ولایت معصومین نگاه ولایت و امامت آنها نبود. بر این

مورد ولایت اهل بیت (ع) به عنوان شرط توحید بیان فرموده است. ۸
پیشوایان و حافظان احادیث رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش آمدند، و به تعبیر «تعرض له الإمامان الحافظان للأحادیث النبویة أبوذرعة و محمد بن أسلم الطوسی»، این دو شخصیت بزرگ و پیشوای علم و حدیث، به امام (علیه السلام) چنین خطاب کرده و درخواست و تقاضا نمودند:

«أیها السُّلالة الطاهرة الرضیة، أیها الخلاصة الزاکیة النبویة بحق آبائک الأظہرین وأسلافک الأکرمین إلا أریتنا وجهک المبارک المیمون، ورویت لنا حدیثا عن آبائک عن جدک نذکرک به» ۹

در روایات است که «حسن السؤال نصف العلم» ۱۰

سؤال و درخواست اشخاص از مقامات و بزرگان، دلیل معرفت و شخصیت سؤال کننده و نصف تعلم و دانشجوئی است.

در کتاب شریف عیون أخبار الرضا (علیه السلام) آمده است: حدثنا محمد بن موسی بن المتوکل رضی الله عنه قال: حدثنا أبو الحسن محمد بن جعفر الأسدي قال: حدثنا محمد بن الحسين الصولي قال: حدثنا يوسف بن عقيل عن إسحاق بن راهويه قال: لما وافي أبو الحسن الرضا عليه السلام نيسابور، و أراد أن يخرج منها إلى المأمون إجتمع عليه أصحاب الحديث فقالوا له: يا بن رسول الله ترحل عنا ولا تحدثنا بدیت فنستفیده منك؟ و كان قد قعد في العماریة، فاطلع رأسه فقال: سمعت أبي موسى بن جعفر يقول: سمعت أبي جعفر بن محمد يقول: سمعت أبي محمد بن علی يقول: سمعت أبي علی بن الحسين يقول: سمعت الحسين بن علی يقول: سمعت أبي أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليهم السلام يقول: سمعت النبي صلی الله علیه و آله يقول:

سمعت جبرئیل يقول: سمعت الله عزوجل يقول: لا إله إلا الله حصني ممن دخل حصني أمن من عذابي. قال: فلما مرت الراحلة نادانا؛ بشروطها و أنا من شروطها» ۱۱

هنگامی که ابوالحسن الرضا(ع) به نیشابور رسید و خواست که آن جا را به قصد رفتن نزد مأمون ترک گوید، راویان حدیث، گردش را گرفتند و عرض کردند: ای پسر پیامبر خدا، از پیش ما می روی و برایمان حدیثی که از محضرتان فیضی بریم، نمی گویی؟! حضرت که در کجاوه نشسته بود سرش را بیرون آورد و فرمود: از پدرم، موسی بن جعفر شنیدم که می فرماید: از پدرم، جعفر بن محمد شنیدم که می فرماید: از پدرم، محمد بن علی شنیدم که می فرماید: از پدرم، علی بن الحسین شنیدم که می فرماید: از پدرم، حسین بن علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید: از پدرم، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب شنیدم که می فرماید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرماید: از جبرئیل شنیدم که می فرماید: از خداوند جل جلاله شنیدم که می فرماید: (کلمه) لا اله الا الله حصار من است و هر کس وارد حصار من شود از عذابم در امان است. اسحاق می گوید: چون شتر به راه افتاد حضرت با صدای بلند به ما فرمود: اما این شرطهایی دارد و من از شرطهای آن هستم.

موقعیت نیشابور در عصر رضوی
کاروان امام رضا(ع) در ۷ جمادی الاول ۲۰۱ برابر با ۱۵ آذر ۱۹۵ شمسی وارد نیشابور شد. ۱۲ شهرت این شهر به مرکز علمی و حضور دانشمندان فراوان در آن مسئله ای است که در منابع تاریخی معتبر از جمله کتاب تاریخ نیشابور تألیف حاکم نیشابوری، به ثبت رسیده است. از این رو ورود امام به این منطقه و خروج آن حضرت از حساسیت ویژه ای برخوردار بود

و نوع استقبال و بدرقه مردم با دیگر شهرها متفاوت می نمود. آنچه که در این شهر در مدت اقامت امام رضا(ع) اتفاق افتاد، یکی از برگ های برنده و فرصتی طلایی بود برای امام رضا(ع) تا از آن به بهترین نحو استفاده کنند. شور و اشتیاق فراوان و زائدالوصف اهالی آنجا برای دیدار با امام از یک سو و خواستاری علمای آن، از سوی دیگر برای دریافت حدیث و دانش تازه ای از ایشان، این تفاوت را شکل می داد. امام در مدت محدودی که در شهر نیشابور اقامت داشت، رابطه ای عمیق و صمیمی با مردم برقرار می کرد. توجه ایشان به عموم بود. رفتار امام و آموزه های مختلفی که از سیره آن حضرت نصیب مردم می شد ۱۳، در واقع پاسخی بود محبت آمیز به عاطفه فوق العاده ایرانیان نسبت به خاندان امامت و ولایت، آخرین یادگاری امام در این شهر زمانی رخ داد که کاروان در حال ترک شهر بود. جمعیت گرد آمده اطراف امام بسیار بودند، همه مشتاقانه منتظر بودند تا آخرین سخن را از امام بشنوند، دانشمندان اهل حدیث تقاضا کردند تا کلام آباء امام را از زبان ایشان آوازه گوش خود قرار دهند.

امام رضا(ع) در برابر این شور و هیجان و حدیث خواهی، سختی فرمود که به حدیث سلسله الذهب شهرت یافت. در اعتبار این حدیث هیچ گونه شبهه ای وجود ندارد گرچه با متن ها و عبارات اندکی متفاوت در کتب تاریخی و حدیثی نقل شده است. همه ابزار و اسباب یک حدیث معتبر در آن جمع شده، محدثین شیعه و سنی به آن توجه ویژه ای دارند و در منابع و کتب خود نقل کرده اند. ۱۴

مهم ترین اتفاق در پی حضور امام رضا(ع) در نیشابور نقل حدیث سلسله الذهب است و حضرت با نقل حدیث سلسله الذهب اعتقاد به امامت را شرط توحید کامل دانستند. امام رضا(ع) در

مسیر ورود به ایران از شهرهای زیادی عبور کردند، اما در میان این شهرها، شهر نیشابور بیشتر در تاریخ مطرح شد. این اهمیت به دلیل صدور حدیث سلسله الذهب در این شهر است.

شهر نیشابور در آن زمان مرکز بزرگ علمی بود و در کنار بغداد جزو مراکز مهم علمی جهان اسلام محسوب می شد. گرچه مردمان این شهر در آن زمان شیعه نبودند اما در تاریخ آمده استقبال از آن حضرت در نیشابور ساعت ها به طول انجامید و علما و محدثان آمده بودند تا پرسش های خود را از حضرت بپرسند. حدود ۲۴ هزار محدث در نیشابور نزد امام رضا(ع) اجتماع و امام در آن اجتماع بزرگ حدیث عظیم سلسله الذهب را بیان کردند.

مهم ترین مسأله ای که امام رضا(ع) در این حدیث مطرح کردند، تبیین جایگاه امامت و ولایت بود. حضرت پس از بیان حدیث سلسله الذهب و در حالی که نویسندگان قلم های خود را کنار گذاشته بودند، ناگهان سر مبارک خویش را از کجاوه بیرون آوردند و فرمودند: «بشرطها و شروطها و انا من شروطها»، یعنی صرف اینکه موحد باشید و به توحید الهی اعتقاد داشته باشید، کافی نیست و باید به ولایت ما نیز اعتقاد داشته باشید.

حواشی که پس از نقل حدیث سلسله الذهب در نیشابور اتفاقی افتاد مورخان نقل می کنند در نیشابور و هنگامی که امام (ع) حدیث سلسله الذهب را نقل کردند، اتفاق های عجیبی رخ داد. از جمله اینکه مردم با دیدن چهره حضرت رضا(ع)، خاطره سیمای پیامبر (ص) در ذهن شان تداعی شد و سخت گریستند

وقتی مردم حدیث را از امام شنیدند، آن گاه از حضرت خواستند که نقاب را کنار بزنند تا مردم چهره ایشان را ببینند. نقل شده که مردم خطاب به امام گفتند: «اما که زمان پیامبر نبودیم و سیمای ایشان را ندیدیم، اما شما نواده پیامبر

هستید و قطعاً چهره شما شبیه رسول الله است. ما شما را که ببینیم، متوجه می شویم پیغمبر چه سیما و چهره ای داشته اند.» وقتی امام رضا(ع) نقاب را کنار زدند و مردم چهره ایشان را برای نخستین بار دیدند، به شدت گریستند، عده ای آه و ناله کردند حتی عده ای از شدت هیجان غش کردند. عده ای به لباس امام به عنوان تبرک دست می کشیدند.

امام رضا با حدیث سلسله الذهب فلسفه سیاسی تشیع و عرفان رضوی را تبیین کردند. با مهاجرت حضرت امام رضا(ع) به ایران، دوره «دو قرن سکوت» ایرانیان (به قول مرحوم دکتر عبدالحسین زرین کوب) به پایان رسید و نهضت عرفانی، فقهی، ادبی و چریکی گسترده ای در نقاط مختلف ایران اعم از خراسان، ری و طبرستان شکل گرفت که در نهایت منجر به تشکیل طریقت صفویه و حکومت صفویه در ایران گردید و ایران ام القرای جهان تشیع و مشهدالرضا قطب سیاسی - معنوی ایران شد. حدیث سلسله الذهب که امام رضا(ع) در جمع نیشابوریان فرمودند، نقش مهمی در گسترش عرفان رضوی در ایران داشت.

امام (ع) فرمودند «من از پدرانم و آنان از پیامبر خدا(ص) و آن حضرت از خداوند باری تعالی شنیدند که فرمود: «لا اله الا الله قلعه مستحکم من است؛ هر آن کس که داخل آن شود از عذاب ایمن است». سپس با کمی تأمل فرمودند: «این مطلب شروطی دارد که یکی از شرایط آن، پذیرش ولایت من (اهل بیت پیامبر خدا(ص)) است». امام رضا(ع) با بیان این حدیث شریف فلسفه سیاسی تشیع و عرفان رضوی را تبیین کردند، ۱۵ بدین معنا که ولایت سیاسی، علمی و معنوی متعلق به امامان معصوم (ع) است. لذا لقب سلطان علی بن موسی الرضا(ع) «

برای آن حضرت در ایران مشهور شد، چنان که پادشاهان صفوی نیز خود را خادم امام رضا(ع) می خواندند. **امام رضا پذیرش ولایت اهل بیت را شرط اساسی برای ورود به دایره توحید می دانند**

توحید نظری یعنی اعتقاد به یگانگی و یکتایی خداوند در خلق و تکون موجودات. هیچ وجودی غیر الله خالق جهان نیست. الله در مرتبه خالقیت یکتا و بی همتا است. وقتی چنین است، طبعاً هیچ موجودی بیرون از عالم خلق و تکوین الهی قرار ندارد: «ولله مافی السماوات وما فی الأرض وکان الله بكل شیء محیطاً» ۱۶ و در دعای کمیل امام علی (ع) می خوانیم: «اللهم عظم سلطانك و علا مکانك و خفی مكرک و ظهر أمرک و غلب قهرک و جرت قدرتك و لایمکن الفرار من حکومتک» پس عالم تکوین، حصن و دژ الله است و هیچ موجودی نیست که بیرون از این حصن باشد. ورای حصن تکوینی، نیستی است و هیچ موجودی در نیستی جای ندارد.

اما توحید عملی یا تشریحی، اعتقاد به یکتایی و یگانگی خدا در عالم تشریح و نظام سازی است. این عالم مقدر انسان است. زیرا از جنس اعتبار است و نه وجود که مقدر انسان نیست. انسان هستی بخش هیچ موجودی نیست ولی می تواند به کمک قوای خدادادی (عقل، وهم، غضب و شهوت) برای خود و دیگران، نظام و سبک زندگی اعتبار کند. چون چنین است، انسان گمان می برد که او نیز مثل خدا می تواند دست به کار تشریح و نظام سازی شود و چنین هم کرده است تا آنجا که برابر شریعت الله طغیان می کند و نظام خود بنیاد را جایگزین نظام خدا بنیاد می کند بلکه وجود تشریح الهی را انکار کرده اعتبار نظام برای خود و دیگری را حق هر

انسانی می داند.

توحید عملی با تشریحی؛ یعنی باور به یکتایی الله در تشریح و نظام سازی. این توحید همچون توحید تکوینی حصن الله است. با این تفاوت که همه انسان ها، به خلاف حصن وجودی، در حصن تشریحی جای ندارند. قرآن کریم می فرماید اگر خدا می خواست همه مردم را در حریم هدایت خود قرار می داد: «أفلم یبأس الذین آمنوا أن لو یشاء الله لهدی الناس جمیعا» ۱۷. مردم با ایمان آوردن به یکتایی خدا در امر تشریح و نظام سازی در حریم هدایت قرار می گیرند و در غیر این صورت، پیرون از در الهی خواهند ماند. توحید عملی، حریم هدایت خدا است.

ولی، کسی است که پی گیر امور وجودی و اعتباری مولی علیه خود است. پس، ولایت از ضروریات وجودی و اعتباری هر امر ممکن است و به رتبه ولایت تکوینی و ولایت تشریحی تقسیم می شود و البته ولایت تشریحی مخصوص انسان است. زیرا وجود اعتباری تنها برای انسان است. هیچ موجودی در ساحت عینی از ولایت تکوینی الله بیرون نیست: «ألم تعلم أن الله له ملک السماوات والأرض و ما لکم من دون الله من ولی و لانصیر» ۱۸. رفع ولایت تکوینی از هر موجودی برابر است با عدم آن موجود. اما ولایت تشریحی الله یعنی پی گیری و سرپرستی مومنین برای قرار گرفتن و ماندن در حصن الله.

خداوند بر مومنین ولایت می ورزد تا آنها از عالم ظلمت خارج شوند و به عالم نور در آیند، چنان که در عالم تشریح، اهل کفر و شرک بر پیروان خود ولایت می ورزند تا آنان را از عالم تور خارج کرده در عالم ظلمت جای دهند. قرآن کریم چنین ولایتی را طاغوتی می خواند: «اللہ ولی الذین آمنوا ینخرجهم من الظلمات الی النور والذین کفروا أولیائهم الطاغوت ینخرجونهم من النور الی الظلمات أولئک أصحاب النار هم

فیها خالدون» ۱۹. این ولایت تشریحی الله به آنان که اهل عصمت و طهارت هستند و نیز به مردان راستین خدا اعطا شده است: «انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یتقون الصلاة ویؤتون الزکاة و هم راکعون» ۲۰. تا آنجا که خداوند سبحان رسول الله را به هنگام بازگشت از حجه الوداع، امر فرمود که علاوه بر ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب (ع)، از مسلمانان برای ایشان بیعت بگیرد و اگر چنین نکند گویا رسالت خود را انجام نداده است: «یا ایها الرسول بلغ ما أنزل الیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس إن الله یتهدی القوم الکافرین» ۲۱. آری، اسلام دین توحید است که به واسطه رسول الله (ص) بر مردم فرود آمد و مردم با ایمان آوردن به دین خاتم در حصن الله جای می گیرند و از عذاب الهی در امان می مانند ولی بشروطها، و أنا من شروطها. امام علی بن موسی الرضا (ع) با این جمله، آیه شریفه تبلیغ را بر مسلمانان یاد آور شدند. ۲۲

روایت سلسله الذهب از میان روایت هایی که از امام رضا (ع) دست ما رسیده هم مشهورتر است و هم به یک معنا بسیار روایت مهمی است. اهمیت از این جهت که در مسیر انتقال امام از مدینه تا خراسان و توس فرصتی برای بیان گهربار حضرت پدید نیامد. در واقع به گونه ای برنامه ریزی شده بود که حضرت امکان تماس با پیروان را نداشته باشد. حدیث در نیشابور آن روز و در میان اهل تسنن بیان می شود. اگر نیشابور و آن زمان را بشناسیم متوجه می شویم که حدیث امام بسیار مهم است. اولاً توجه کنیم که امام را از راهی بردند که کسی در راه حضرت قرار نگیرد. در واقع حضرت دسترسی به مراکز شیعه در ایران از جمله قم نداشته باشد. وقتی به مسیر انتقال امام از مدینه تا توس نگاه می کنید می بینید این اتفاق

افتاده است همچنان که وقتی به کتاب ارزشمند "جغرافیای تاریخی هجرت امام رضا" مراجعه می کنید نشان داده شده که امام رضا از چه راه هایی عبور کرده است و چطور امام را از بصره و جنوب از چه راه هایی برده اند. این دستور مامون بود که امام را از راه هایی تیرند که مراکز شیعی بود و همین موضوع نشان دهنده وجود مراکز تشیع در ایران بوده است.

محدثاتی که دور امام جمع شده بودند با احترام با امام رضا علیه السلام برخورد کردند و می دانستند که امام شخصیت بزرگی از نسل پیامبر است اما اهل تسنن حدیث را از زبان رسول الله (ص) می داند و امام رضا هم متوجه است که مخاطب او چه کسی است و چه اعتقادی دارد بنابراین این گونه حدیث می خواند در حالی که ما شیعیان اعتقاد دیگری داریم و در فقه ما و ... سخن امام رضا (ع) به تنهایی حجت است اما در آنجا مخاطب اهل سنت است و اهل تسنن امام را در نهایت به عنوان راوی معتبر و ثقه و قابل قبول می شناسد و اجداد امام را به عنوان راویان معتبر و ثقه قبول دارند بنابر این امام رضا علیه السلام سلسله سند را بیان می کنند تا به امیر المومنین (ع) و رسول الله (ص) برسد.

اما اتفاقی که در این حدیث روی می دهد و در واقع امام از فرصت استفاده می کنند و به نوعی بیان می کنند که مامون برحق نیست یعنی همان کاری که همه اهل بیت در بزنگاه ها و فرصت ها طرح میکنند این است که می فرماید اگرچه لا اله الا الله حصن و نگهدارنده است اما این توحید شرطی هم دارد و آن امامت است. از زندگی امام رضا علیه السلام در بین انمه معصومین علیهم السلام زوایای مختلفی دارد که مهم ترین آن را می توان به قرار گرفتن در موقعیت

ویژه و خاص در رابطه با مأمون دانست. در واقع زمان حیات حضرت مصادف با ضعف بنی عباس است بنابراین مأمون به خاطر این که مشروعیتی برای خود فراهم کند و از سویی خطر وجود امام را مهار کند دست به اقدامات نمایشی می زند و در مجامع و افکار عمومی ولیعهدی امام رضا علیه السلام را اعلام می کند اما امام به خاطر آگاهی ای که دارند و با توجه به جمیع جهانی که در روزگار ایشان حاکم است این ولی عهدی را در حقیقت نمی پذیرند یا این طور بگویند ولیعهدی را به صورت مشروط می پذیرند

شرط امام رضا در این باره مشخصا چه بود؟

امام در واقع تدبیری اندیشیدند که مأمون نتواند اقدامات سیاسی و کشورداری خود را که طبیعتا هم راستای با جهان بینی و اندیشه های امام نبود به واسطه ولیعهدی امام رضا علیه السلام توجیه کند. در واقع امام شرط کردند که دخالتی در امور سیاسی و کشورداری نخواهد داشت.

این در حقیقت شاهکار امام رضا در میان مردم نیشابور و به یک معنا در آن جو خفقان و اختناق است. دیگر امام چطور بگویند که من و مأمون دو راه جدا از هم هستیم. وقتی امام می فرماید من شرط ورود به توحید هستم یعنی آب پاکی روی دست مأمون می ریزد و اعلام می کند که وقتی من شرط توحید هستم دیگر مأمون در آن جا چه مشروعیت و توجیهی دارد. من شرط تحقق اسلام هستم. این یک زمینه و بستر سیاسی عجیبی در آن موقع ایجاد کرد و روح روشنگری در همین حدیث به وضوح روشن بود.

در حقیقت امام رضا علیه السلام وارد عظیم ترین مسایل سیاسی دوره خود شدند اما به واسطه همان استقرار ریشه دار در توحید نه تنها از این جایگاه ها متأثر نشدند بلکه عملا آن موقعیت ها را وسیله ای برای اثبات راه

حق و بیان توحید قرار دادند. یکی از اتفاقات مهمی که در همان دوران روی می دهد مجموعه مباحثات اعتقادی و کلامی حضرت با رئوس و صاحب نظران ادیان مختلف است. اندیشه ناب و روشن امام درباره حقانیت راه اسلام و تشیع به گونه ای است که در همان سلسله مباحثات و جلسات امام آن مدعیان را محکوم و راه امامت را به عنوان تنها راه فلاح و رستگاری معرفی می نمایند.

سخنرانی در قالب یک جمله

متن این روایت یک جمله ساده بیشتر نیست: "خدا فرمود: لا اله الا الله در من است و هر که در آن در داخل شود از عذاب من ایمن است." این جمله با عقاید هیچ گروهی از مسلمانان در تضاد نیست. همه آن را می پذیرند و از طرف حکومت هم مانعی در هنگام ایراد آن پیش نمی آید و به ظاهر دلیلی برای ممنوعیت نشر آن وجود ندارد. همین متن به ظاهر ساده، معنایی بسیار عمیق دارد. یعنی امام رضا علیه السلام یک سخنرانی طولانی را در یک جمله خلاصه بیان نمودند.

سندی با ارزشتر از طلا

به این متن ساده، سلسله ای از روایان متصل است که هر یک گوهری از پاکی و ارکان ایمان هستند: "شنیدم از پدرم موسی بن جعفر که می گفت شنیدم از پدرم جعفر بن محمد که می گفت شنیدم از پدرم محمد بن علی که می گفت شنیدم از پدرم حسین که می گفت شنیدم از پدرم محمد بن علی که می گفت شنیدم از پدرم علی بن الحسین که می گفت شنیدم از پدرم حسین بن علی بن ابی طالب که می گفت شنیدم از پدرم علی بن ابی طالب که می گفت شنیدم از رسول الله که می گفت شنیدم از جبرئیل که می گفت شنیدم از خدای جل جلاله که می گفت: "ا

حرف ما مخاطب خود را پیدا خواهد کرد؛ ولو در زمان و مکانی غیر از زمان و مکان ما؛ مهم آن است که او

حق را بشناسیم و ثانیاً آن را به متناسب ترین شکل بیان کنیم

این راویان، ارزنده ترین زنجیره ای را تشکیل می دهند که برای یک حدیث بتوان گفت. امام رضا علیه السلام با این کار ارتباط خاص خود به رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز پیوستگی اهل بیت علیهم السلام را هم به لطیف ترین شکلی بیان فرموده اند.

این اقدام امام رضا علیه السلام در سهایی برای زندگی ما دارد که تعدادی از آنها عبارتند از:

۱- فایده بخش ترین دانشها و امنیت بخش ترین امور، "لا اله الا الله" است. هر بدی و عیبی که در تفکرات و رفتار و اخلاق ما وجود دارد به نقص ما نسبت به "لا اله الا الله" باز می گردد.

۲- نگذاریم اجتماعات بزرگ مردم ما را فریب ندهد. آنان که حق را می شناسند و تا پای جان در راه آن باقی می مانند خیلی کم هستند.

۳- اگر حقیقت و حکمتی را می دانیم که مشتاقانی قدر شناس آن را طلب می کنند، در حد فهم آنان آن را بیان کنیم.

۴- علیرغم جو سیاسی امنیتی همواره فرصتهایی برای یاری حق خودنمایی می کنند که نباید آنها را از دست بدهیم.

۵- یاری کردن حق را به مناسب ترین وجه صورت دهیم. گاه یک جمله موثرتر از یک سخنرانی است.

۶- سیستمهای ظالمانه همواره نقاط کور و نقاط ضعفی برای نفوذ دارند.

۷- حرف ما مخاطب خود را پیدا خواهد کرد؛ ولو در زمان و مکانی غیر از زمان و مکان ما؛ مهم آن است که اولاً حق را بشناسیم و ثانیاً آن را به متناسب ترین شکل بیان کنیم.

نتیجه گیری

هر چند این حدیث شریف، از لحاظ سند به سلسله الذهب معروف شده، ولی اهل معرفت می دانند که چیزی از مواد گرانبهای دنیا اگر چه هزاران برابر طلا و جواهرات ارزش داشته باشد با آن برابر نمی شود تا بتوان این سند را به آن تشبیه کرد.

سیره ارتباطی امام رضا (ع) نیز در مسیر هجرت ایشان از مدینه به مرو مطابق با مدل ارتباطات انسانی بود. اطلاع قبلی از مخاطب، دانستن زبان مخاطب، اطلاع دقیق از عقاید مخاطب، توجه به شرایط روز و رصد اتفاق های زمانه از جمله شیوه های ایشان در ارتباطات به صورت میان فردی، گروهی و جمعی بود آنچه مهم است اینکه امام (ع) از انواع ارتباطات انسانی به تناسب شرایط زمان و مکان و نیاز مخاطب استفاده می کردند و این می تواند الگویی برای مدیران و مبلغان ما در ارتباط مؤثر با افراد باشد.

منابع

قرآن کریم

- ۱- توحید و امامت در حدیث سلسله الذهب مقاله علمی - پژوهشی نویسندگان حسن حبیبی تبار محمد محسن مروجی طبسی
- ۲- پایگاه اطلاع رسانی حوزه
- ۳- دایرة المعارف تشیع؛ جمعی از نویسندگان مقاله امام رضا (علیه السلام)
- ۴- روزنامه خراسان: ۷۹/۱۱/۱۷، آموزه های امام رضا (علیه السلام) به مردم نیشابور؛ غلامرضا جلالی
- ۵- سید نورالله حسینی مرعشی ۹۵۶ قی: احقاق الحق و ازهاق الباطل؛ مشهور به احقاق الحق ناشر: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی تاریخ نشر: ۱۴۰۹ق
- ۶- صدوق، أبو جعفر محمد بن علی (۱۳۶۳)؛ عیون اخبار الرضا، تصحیح و تعلیق سید مهدی حسینی لاجوردی، قم، نشر مهدی مشهدی
- ۷- طبسی، محمد محسن (۱۳۸۸): جایگاه روایی اباصت هروی از دیدگاه فریقین، مجله فرق و مذاهب ۸- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، تألیف جمعی از پژوهشگران «مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)» زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، مرکز پژوهشهای فارسی الغدیر ج: ۴، ۳، ۲، ۱، چاپ اول، تاریخ نشر: از سال ۱۳۶۰؛ نشر: ایران، زبان: فارسی
- ۹- فضل بن حسن، طبرسی متوفای

۵۴۸ق، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.

- ۱۰- محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق، (۳۸۱۳۰۵ق.)، الامالی، تهران، تحقیق و نشر بنیاد
- ۱۱- محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق؛ معانی الأخبار، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر الاسلامی
- ۱۲- محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (۳۰۵-۳۸۱ق.)، التوحید، تصحیح و تعلیق: سیدهاشم حسینی تهرانی، قم، موسسه النشر الاسلامی
- ۱۳- مجله زائر؛ شماره ۱۰۹؛ ص ۱۷
- ۱۴- خبرگزاری مهرنیوز؛ کد خبر ۴۳۵۴۶۹۹۴ طلع نور، ش ۳۰، محمد حسین رجیبی دوانی
- ۱۵- خبرگزاری باشگاه خبرنگاران جوان؛ کد خبر: ۵۰۷۸۶۱۵
- ۱۶- mehrnews.com
- ۱۷- https://www.yjc.ir
- ۱۸- Hawzah.net
- ۱۹- farhangesadid.ir

پانوشت:

۱. هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه فارسی، ۱۳۸۵ ش، ج ۴، ص ۵۲۳.
۲. صدوق، التوحید، ۱۳۸۹ ق، ص ۲۵.
۳. حبیبی تبار، مروجی طبسی، «توحید و امامت در حدیث سلسله الذهب»، ۱۳۹۲ ش، ص ۵۳۵۲.
۴. ابن بابویه (صدوق)، التوحید، ۱۳۸۹ ق، ص ۲۵.
۵. صدوق، معانی الأخبار، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۷۱.
۶. صدوق، عیون أخبار الرضا، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۱۳۵.
۷. صدوق، امالی، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۳۵.
۸. مقاله «امام رضا (ع)»، دایرة المعارف تشیع، ۲/۳۶۶.
۹. بنگرید، مرعشی ملحقات احقاق الحق، ج ۲۸، ص ۵۹۱-۶۸۲.
۱۰. زائر، ش ۱۰۹، ص ۱۷.
۱۱. اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۲، ص ۶۴.
۱۲. زائر، ش ۱۰۶، ص ۱۷.
۱۳. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به آموزه های امام رضا (ع) به مردم نیشابور، خراسان ۷۹/۱۱/۱۷، غلامرضا جلالی
۱۴. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، Hawzah.net
۱۵. mehrnews.com/sN۲Jr، محمد حسین رجیبی دوانی
۱۶. نساء، ۱۲۶.
۱۷. رعد، ۳۱.
۱۸. بقره، ۱۰۷.
۱۹. بقره، ۲۵۷.
۲۰. مائده، ۵۵.
۲۱. مائده، ۶۷.
۲۲. "farhangesadid.ir/o۰o۰۷t"، مهدوی زادگان

مقدس نامقدس

محمد علی کیهانی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی (سر دبیر نشریه)



که ذات اقدس الهی فرموده توان این را ندارند که نور درخشان الهی را خاموش کنند و تمام تلاش ها فقط روسیاهی خودشان را به دنبال خواهد داشت . البته باید خشنود بود که در مقابل این حرکت ؛ مسلمانان و مردم شریف ایران منفعلانه عمل نکردند و با بازتاب گسترده ی نارضایتی خود در فضاهای مجازی و حقیقی نشان دادند که توهین به معنویت شان را بر نمی تابند . امید است جامعه اسلامی و مسلمانان با ظهور حضرت ولیعصر علیه السلام به جایگاه حقیقی خود برسند و تمام دسیسه های دشمنان نابود شود . در انتها ضمن تبریک این ایام فرخنده ؛ از همه ی سرورانی که ما را در گردآوری و آماده کردن این شماره یاری کردند کمال تشکر را دارم .

تقدیر الهی را می ستاییم که در آن مقرر گردید تا نوشتاری نو در ایامی مبارک تقدیم دیدگان دوستداران علم و عترت نبوی کنیم .

در این شماره از نشریه ی علمی_فرهنگی ره نما مفتخریم یادداشت هایی مرتبط با ایام عزیز دهه کرامت منتشر نماییم .

اما دل هامان آزرده است که عده ای با اغراض معلوم ساحت قدسی امام رئوف حضرت علی بن موسی علیه السلام را مورد اهانت قرار می دهند .

انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی مشهد مقدس این اهانت مغرضانه را محکوم می کند .

از طرفی در تمام ادوار تاریخ اسلام از لحظه ی آغاز دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا کنون هجمه های دشمنان به سمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و عترت ایشان علیهم السلام روز به روز افزایش داشته و معاندین لحظه ای فروگذار نبوده اند . از اهانت ابولهب به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در لحظه ی دعوت ایشان تا اهانتی که هنگامه ی رحلت حضرت روا شد . یا اعمال شنیعانه معاویه و دیگر افراد در دشنام گویی به امیرالمومنین علی علیه السلام و در مقیاسی بزرگ تر واقعه ی عظیم کربلا که نقطه ی اوج این عداوت ها و عناد ها بود .

اما آنچه را که در انتهای همه ی این وقایع میتوان مشاهده نمود ، ریشه دوانی و استحکام بیشتر اسلام در جان و دل مسلمانان است .

دشمنان ، معاندین و هر فرد و گروهی که قصد ضربه زدن به اسلام و عقاید مردم را دارد باید بداند همانطور

از قافله ی عشق بسی دست و سر افتاد

با آل علی علیهم السلام هر که در افتاد ، پرافتاد



سَمِيعًا عَلِيمًا
لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ
لَهُ الْكِبْرِيَاءُ الْعِزَّةُ
لَهُ الْغَيْبُ لَا يَلْقَاهُ
الْبَصَرُ وَسِعَتْ
رَحْمَتُهُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ وَهُوَ
الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

